

حيات پرزخی

حیات برزخی

در این دنیا انسان مسافری است که در طول سفر خود، از مرحله ای به مرحله دیگر وارد می شود. روزی به دنیا می آید؛ عمری را در جهان مادی و در قالب تن، سپری می کند و پس از پر شدن پیمان، روح او از کالبد مادی خارج شده، به سوی جهانی دیگر به نام «برزخ» رهسپار می شود. حد و مرز و مانع بین دو چیز را برزخ گویند ریشه ی این لغت، «برزه» است که در عربی به برزخ تبدیل شده است. حیات برزخی مورد تأیید همه ی مذاهب اسلامی و نیز وهابیت است اما تفاوت اندیشه ی وهابیت با دیگر مذاهب اسلامی، در کیفیت و نوع ارتباط اموات با زندگان است. در این مقاله دیدگاه وهابیان درباره ی زیارت، توسل، طلب حاجت و تعظیم قبور، بررسی و نقد خواهد شد.

حیات برزخی مورد تأیید همه ی مذاهب اسلامی و نیز وهابیت است و کسی در وجود آن شک ندارد؛ اما تفاوت اندیشه ی وهابیت با دیگر مذاهب اسلامی، در کیفیت و نوع ارتباط اموات با زندگان است. قرائت وهابیت از وضعیت اموات در حیات برزخی، نه تنها با قرائت همه ی مسلمانان متفاوت است، بلکه عقاید مسلم مذاهب اسلامی، همچون توسل، شفاعت خواهی و طلب حاجت را به چالش می کشد و این امور را افزون بر شرک خواندن، موهوم و بی فایده می شمارد.

در بخش های «توحید و شرک» و «ایمان و کفر»، مبنای وهابیت در این حوزه نقد گردید. در این بخش، دیدگاه آنان درباره ی موهوم بودن اموری همانند زیارت، توسل، طلب حاجت و تعظیم قبور، بررسی و نقد خواهد شد.

حیات برزخی در اندیشه ی اسلامی

1. مقدمه

در نظام آفرینش، انسان مسافری است که در طول سفر خود، از مرحله ای به مرحله دیگر وارد می شود و از منزلی به منزل دیگر در حال نقل و انتقال است. روزی به دنیا می آید؛ عمری را در جهان مادی و در قالب تن، سپری می کند و پس از پر شدن پیمان، روح او از کالبد مادی خارج شده، به سوی جهانی دیگر به نام «برزخ» رهسپار می شود. پس از آن نیز هنگامی که قیامت فرا می رسد، دوباره روح در قالب تن آرام می گیرد و در برابر دادگاه عدل الهی، کارنامه ی خود را دریافت می کند. سپس آخرین مرحله ی این سفر پر فراز و نشیب، فرا می رسد و آن نیز خانه ی ابدی او در بهشت یا جهنم است. در همه ای این جابه جایی ها، آن چه سفر می کند، روح انسان است. روح در این دنیا به دلیل شرایط مادی، تخت بند تن می شود و پس از عروج از عالم ملک به ملکوت، تن را وا می گذارد و در قالبی دیگر به سیر خود ادامه می دهد. همه ی مذاهب و فرق اسلامی، به چنین منازل و مراحل برای انسان معتقدند. البته در چه گونه ی این سفر و منزلگاه های مختلف آن، تفاوت هایی دیده می شود.

در این فصل به تبیین برزخ و حیات برزخی با تأکید بر مسائل اختلافی میان مسلمانان و وهابیان خواهیم پرداخت. [1]

(ص 420)

2. واژه شناسی

برزخ در لغت به معنی هر چیزی است که میان دو شیء حائل شود [2]؛ به گونه ای که میان آن دو، هیچ ارتباطی نباشد [3]. به گفته راغب:

« حد و مرز و مانع بین دو چیز را برزخ گویند ریشه ی این لغت، « برزه » است که در عربی به برزخ تبدیل شده است. » [4]

واژه ی برزخ سه بار در قرآن آمده که دو بار آن در معنی لغوی به کار رفته است:

« مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ »؛ (الرحمن / 19-20)

« دو دریای مختلف [شور و شیرین، و گرم و سرد] را در کنار هم قرارداد؛ در حالی که با هم تماس دارند در میان آن دو، برزخی است که یکی بر دیگری غلبه نمی کند [و به هم نمی آمیزند]. »

در سوره ی فرقان نیز برزخ به همین معنی به کار رفته است:

« وَ هُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَ هَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَ جَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخاً وَحِجْراً مَحْجُوراً ؛ (فرقان / 53)

« او کسی است که دو دریا را در کنار هم قرار داد، یکی گوارا و شیرین، و دیگری شو و تلخ؛ و در میان آن ها برزخی قرار داد تا باهم مخلوط نشوند [گویی هر یک به دیگری می گوید:] دور باش و نزدیک نیا! ».

برزخ در اصطلاح به جهان میان دنیا و آخرت گفته می شود [5]؛ جهانی که با مرگ انسان آغاز می شود و تا قیامت کبری که همه ی انسان ها محشور می شوند و پایان جهان است، ادامه دارد: [6] (ص 421) «... وَ مِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ»؛ (مؤمنون / 100) « و پشت سر آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند ».

شیخ طوسی در ذیل این آیه می فرماید:

« برزخ به معنی مانع است و منظور از مانع در این جا مانع و فاصله ی میان مرگ و رستاخیز است. » [7]

سیوطی نیز چنین معنایی را از برزخ ارائه می دهد. [8]

در منابع دینی، از عالم برزخ به نام های دیگری، مانند عالم قبر یاد شده است؛ چنان که پیامبر گرامی اسلام (صلی اله علیه و آله) می فرماید:

« قبر، یا باغی از باغ های بهشت است یا گودالی از گودال های جهنم ». [9]

امام صادق (علیه السلام) نیز فرموده است:

برزخ، قبر است و آن، ثواب و عقاب بین دنیا و آخرت است. [10]

البته ناگفته پیداست که مراد از عالم قبر، قبر مادی نیست؛ چرا که برخی از انسان ها در آتش می سوزند یا در دریا غرق می شوند و یا طعمه ی درندگان می شوند؛ و قبر خاکی را تجربه نمی کنند، با این حال اینان نیز دارای عالم قبر هستند. [11] (ص 422) عالم برزخ، « عالم مثال » نیز خوانده شده است؛ زیرا نمونه و مثالی از قیامت است و به قدر ظرفیت خود، از قیامت حکایت میکند. به همین سبب، گاه به عالم برزخ، « قیامت صغری » گفته می شود؛

چنان که پیامبر گرامی اسلام (صلی اله علیه و آله) فرمود:

« مَنْ مَاتَ فَقَدْ قَامَتْ قِيَامَتُهُ »؛ [12]

« هر کس بمیرد، قیامت او برپا شده است ».

3. انسان در عالم برزخ

با نگاهی به آیات و روایات، آن چه در وجود انسان اصالت دارد، ساحت روح است. روح انسان نیز همواره نیازمند قابی است که در آن آرام گیرد؛ اما شکل و شمایل این قالب، در عوالم مختلف گوناگون است و با ویژگی های آن عالم هم آهنگ است. در حالی که انسان در این دنیا نیازمند قالبی خاکی و مادی است و بدنش مطابق با قوانین عالم طبیعت نظام یافته است. در قیامت، همین جسم با ویژگی های به مراتب تکامل یافته تری محصور می شود که هم آهنگ با شرایط و ویژگی های قیامت است؛ به گونه ای که برای نمونه، فرد کافر هر چه می سوزد، بدنش از بین نمی رود؛ یا بهشتیان با وجود استفاده از غذاها و شراب های بهشتی، به تخلیه مواد زائد نیاز ندارند.

بنابراین، به تسامح می توان گفت: جسم انسان در حرکت خود از عالم خاکی به عالم قیامت، در حال تکامل است. به این معنی که در دنیا محدودیت های او بسیار زیاد است. هنگامی که به عالم برزخ می آید، روح در بدنی قرار می گیرد که قابلیت های بیش تری دارد و در قیامت، این جسم به اوج تکامل می رسد.

قابلی که در عالم برزخ میزبان روح انسان است، مناسب با شرایط و مقتضیات عالم برزخ می باشد. از این رو، جسم برزخی جسم لطیفی است که با این اجسام مادی (ص 423) تفاوت های بسیاری دارد؛ اما از سوی دیگر، از نظر ظاهری شبیه جسم خاکی است. امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

« ارواح مؤمنان (دربرزخ) در بدن هایی شبیه بدن های دنیوی آنان است ». [13]

از آن روی به قالب برزخی انسان « قالب مثالی » یا « بدن مثالی » می گویند که نه به کلی مجرد است و نه مادی محض می باشد؛ بلکه دارای نوعی « تجرد برزخی » است. برخی از پژوهشگران، آن را به وضع روح در حالت خواب تشبیه کرده اند. انسان در عالم خواب با مشاهده نعمت ها، به راستی لذت می برد و با دیدن مناظر هولناک، معذب و ناراحت می شود؛ آن گونه که گاه واکنش آن درهمین بدن نیز ظاهر می شود و به هنگام دیدن خواب های هولناک، فریاد می کشد. به همین سبب، در بسیاری از روایات، خواب را مثال خوبی برای عالم برزخ و بدن برزخی دانسته اند. [14]

تعلق روح به بدن مثالی در جهان برزخ، تا قیامت ادامه دارد و هنگام قیامت، به فرمان خدا دوباره به بدن های نخستین با تکامل بیش تر، بر می گردد.

4. قرآن و حیات برزخی

در قرآن مجید، تنها یک آیه به صورت مستقیم به عالم برزخ اشاره کرده و به صراحت، فاصله ی میان دو دنیا را « برزخ » خوانده است: « .. وَ مِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ » [15]؛ (مؤمنون /100) (ص 424) « و پشت سر آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند ».

آیات دیگری که به عالم برزخ اشاره کرده اند، بیش تر به شرایط و ویژگی های این جهان پرداخته اند. در این آیات، به توصیف وضعیت انسان ها در آن جهان، مانند حیات آن ها، عذاب یا پاداش برای آنان و پرسش و پاسخ از ایشان اشاره شده است.

در مجموع، آیات مربوط به عالم برزخ، همه به یک نتیجه می رسند و آن نیز وجود حیات برزخی درعالم برزخ است.

در مجموع، آیاتی را که به حیات برزخی مربوطند، می توان به چند گروه تقسیم کرد:

1-4- گفت و گوی فرشتگان با صالحان

گروهی از آیات، از گفت و گوی افراد نیکوکار با فرشتگان، پس از مرگ حکایت می کنند: « الَّذِينَ تَتَوَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ يَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ » (نحل

« همانان که فرشتگان جانیشان را می گیرند؛ در حالی که از شرک و گناه پیراسته اند. فرشتگان به آنان می گویند: درود بر شما! به پاداش کارهایی که می کردید، به بهشت درآیید. »
این آیه، افزون بر این که نشانگر عالم برزخ و حیات برزخی است، به وجود بهشت در عالم برزخ نیز اشاره می کند. آیه ی زیر نیز در همین راستاست:

« قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْمَلُونَ يَمَا غَفَرَ لِي رَّبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ »؛ (يس/26-27) (ص 425)

« ولی مردم انطاکیه، آن مرد مؤمن با اخلاص را کشتند؛ و بی درنگ از جانب خدا به او ندا رسید: به بهشت درآی! آن مرد در آن سرای گفت: ای کاش، قوم من می دانستند که پروردگارم گناهانم را بخشید و مرا از بزرگواران درگاهش قرار داد. »

درآیه ی زیر، خداوند متعال از پیامبر گرامی اسلام (صلی اله علیه و آله) می خواهد که از پیامبرش پیش از خود سئوالی بپرسد؛ پیامبرانی که از جهان مادی رخت بر بسته اند:
« وَسُئِلَ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَةً يُعْبَدُونَ »؛ (زخرف /45)
از پیامبران پیشین بپرس، آیا غیر از خدای رحمان، خدایی قرار دادیم که مورد پرستش قرار گیرد؟
«.

4-2 گفت و گوی فرشتگان با بدکاران

گروهی از آیات به گفت و گوی فاسدان و مشرکان با فرشتگان در عالم برزخ اشاره می کنند:
« إِنَّ الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا »؛ (نساء / 97)
« کسانی که با پشت سرافکندن معارف الهی و احکام دین، بر خود ستم کرده اند، فرشتگان هنگامی که جانیشان را می گیرند، به آنان می گویند: در چه حال بودید؟ چرا به دین الهی پایبند نبودید؟ آنان می گویند: ما در این سرزمین تحت سیطره ی کفر و شرک، ناتوان شمرده شده بودیم. فرشتگان می گویند: مگر زمین خدا گسترده نبود که در آن هجرت کنید و به سرزمینی بروید که بتوانید دین خود را نگه دارید؟ از این رو، آنان جایگاهشان دوزخ است و آن، بد بازگشت گاهی است. » (ص 426)

4-3 خطاب قرآن

در برخی از آیات، قرآن پیشینیان را مستقیماً خطاب قرار داده که نشانگر قدرت آن ها در فهم و درک است؛ چرا که مخاطب قراردادن اشیا بی جانی که قدرت فهم و درک ندارند، کاری بیهوده است. برای نمونه، قرآن به برخی از صالحان که از دنیا رفته اند، سلام می فرستد:
« سَلَّمَ عَلَي نُوْحٍ فِي الْعَلَمِينَ »؛ « سَلَّمَ عَلَي إِبْرَاهِيمَ »؛ « سَلَّمَ عَلَي مُوسَى وَ هَارُونَ »؛ « سَلَّمَ عَلَي إِبْرَاهِيمَ »؛ « وَ سَلَّمَ عَلَي الْمُرْسَلِينَ » (صافات / 79، 109، 130، 120 و 181).
هم چنین قرآن بر مسلمانان تکلیف می کند که همراه با خدا و فرشتگان، بر پیامبر گرامی اسلام (صلی اله علیه و آله) درود و تهنیت بفرستند [16]. اگر مخاطبان این آیات، قدرت شنیدن نداشته باشند، ابلاغ چنین سلام هایی بی ثمر خواهد بود. چنین سلام هایی، هر روز در نماز های یومیه نیز تکرار می شود؛ چنان که همه ی مسلمانان در تشهد نماز، پیامبر را مخاطب قرار داده و به او درود می فرستند. [17]

4-4 حیات و بهشت برزخی نیکان

برخی از آیات قرآن به زندگی غرق نعمت و شادی اولیای الهی و شهدا اشاره دارند:
« وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ »؛ (بقره / 154)
« و به آن ها که در راه خدا کشته می شوند، مرده نگویند؛ بلکه آنان زنده اند، ولی شما نمی

فهمید.»

این آیه ی شریفه، نشانگر حیات برزخی شهداست. علمای فریقین نیز بر دلالت این آیه بر حیات برزخی شهادت داده اند. علامه طبرسی در تفسیر آیه ی یاد شده می گوید: (ص 427) « یعنی آنان نمرده اند و تا روز رستاخیز زنده خواهند بود و این، سخن درستی است » [18]. علمای اهل سنت نیز بر این باورند که این آیه ی شریفه به صراحت بر حیات برزخی شهدا دلالت می کند [19]. ابن جریر طبری در تفسیر این آیه می گوید: « ای کسانی که با استعانت از صبر در طاعت، در جهاد دشمنان و ترک معاصی شرکت کرده اید، به کسانی که در راه من کشته می شوند، مرده نگوئید؛ بلکه آنان نزد من زنده اند و در نعمت، رزق و کرامت من به سر می برند ». [20]

در این میان، قید « لا تشعرون » به خوبی نشانگر این واقعیت است که مراد از زنده بودن شهدا، زنده بودن ام آن ها در میان مردم نیست؛ بلکه واقعاً زندگی دیگری غیر از زندگی مادی دارند که برای انسان ها قابل درک نیست.

« وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ فَرَحِينَ يَمَّا أَنَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ »؛ (آل عمران / 169-171) « کسانی را که در راه خدا کشته شده اند، مرده مپندار؛ بلکه آنان زنده اند و زد پروردگارشان از نعمت های بهشت به آنان روزی می دهند؛ به آن چه خدا از فضل خود به آنان داده است، شادمان اند. و آن مؤمنان راستینی که پس از آنان اند و هنوز به ایشان نپیوسته اند، مسرورند که ترسی آنان را فرا نمی گیرد و اندوهگین نمی شوند. آنان به نعمت و فضلی که از جانب خداست و این که خدا پاداش مؤمنان را تباه نمی کند، شادمان اند ». (ص 428)

این آیه ی شریفه نیز افزون بر این که حیات برزخی شهدا را یادآور می شود، رسماً به حالات و روحیات آنان در عالم برزخ اشاره می کند و بیان می دارد که آنان به حال و هوای نیکانی که هنوز به آن ها در عالم برزخ ملحق نشده اند، آگاه و واقفند.

البته نباید فراموش کرد که هر چند آیات یاد شده، حیات را برای شهیدان اثبات می کنند، اما مسلماً حیات برزخی تنها به شهیدان اختصاص ندارد؛ بلکه مقام پیامبران، اولیاء ائمه (علیه السلام) از شهدا بالاتر است و بی تردید آنان نیز از حیات برزخی بهره مند و در نعمت های الهی غرقند. آیات دیگری که نشانگر جهان برزخ، حیات برزخ، عقاب و پاداش در برزخ و ... هستند، در قرآن فراوان آمده است. [21]

4-5 حیات و دوزخ برزخی کافران

آیاتی از قرآن کریم، حیات پر درد و رنج گنهکاران را در عالم برزخ تبیین می کنند: « مِمَّا خَطَبَاتِهِمْ أُغْرِقُوا قَدْ خَلُّوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا »؛ (نوح / 25) « [آری؛ سرانجام] همگی به دلیل گناهشان غرق شدند و در آتش دوزخ وارد گشتند، و جز خدا یاورانی برای خود نیافتند ».

این آیه ی شریفه افزون بر حیات برزخی کافران، به جهنم دوزخی نیز اشاره دارد.

آیه ی زیر نیز چنین است:

« النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ »؛ (غافر / 46)

« آن عذاب، آتش است که بامدادان و عصر گاهان بر آن عرضه می شوند؛ و روزی که قیامت برپا گردد، فرمان رسد که فرعونیان را به سخت ترین عذاب درآورید ». (ص 429)

این آیه ی شریفه، به عذابی دردناک برای آل فرعون در عالم برزخ اشاره دارد و به خوبی آن را از

عذاب روز قیامت جدا کرده است. از آن ا که در قیامت صبح و عصری وجود ندارد و زمین و زمان در هم می ریزد، مسلماً مراد، عذاب در عالم برزخ است. آیه ی شریفه زیر نیز به حیات برزخی بدکاران اشاره دارد: « وَ إِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ »؛ (طور / 47) « به یقین برای کسانی که ستم کرده اند، پیش از آن [عذاب قیامت] عذابی خواهد بود که در عالم برزخ دامگیرشان می شود؛ ولی بیش ترشان از آن بی خبرند ». بسیاری از علمای فریقین، این عذاب را به عذاب قبر تفسیر کرده اند. [22] البته میان بهشت و دوزخ، در برزخ و قیامت، تفاوت هایی وجود دارد. از جمله این که بهشت و دوزخ برزخی، موقتی اند و تنها تا قیامت وجود دارند؛ در حالی که بهشت و دوزخ قیامت دائمی اند [23]. دوم این که در برزخ، قالب مثالی یا جسم لطیف، عذاب می کشد یا متنعم می شود؛ در حالی که در قیامت، پس از نفخ صور و جای گرفتن ارواح در پیکر های مادی، پاداش و کیفر بر همین جسم ها وارد خواهد شد [24].

5. عالم برزخ در روایات

روایات، گزارش بیش تری از عالم برزخ ارائه کرده و نمای روشنی از « قیامت صغری » برای مسلمانان تصویر نموده اند. با توجه به گستردگی روایات، بیان آن ها در (ص 430) ای مختصر میسر نیست. بنابراین، تنها بر محوریهی تأکید می شود که ناظر به اختلافات میان وهابیان و مسلمانان است. با این نگاه، می توان روایات مربوط به برزخ را به چند بخش تقسیم کرد: [25] 1-5- شنیدن ارواح (سماع موتی) [26] یکی از مهم ترین محورهایی که روایات آن را تأیید می کنند، قدرت اموات در شنیدن صدای زندگان است؛ موضوعی که به شدت مورد انکار وهابیان قرار دارد. [27]

گفت و گوی پیامبر گرامی اسلام (صلی اله علیه و آله) با کشتگان کفار در جنگ بدر، از مهم ترین روایاتی است که مؤید شنیدن اموات است؛ به گونه ای که وهابیان نیز نتوانسته اند آن را انکار کنند. هنگامی که جنگ بدر به نفع مسلمانان پایان یافت، تعدادی از اجساد سران کفار را در درون چاهی ریختند. سپس پیامبر گرامی اسلام (صلی اله علیه و آله) نگاهی به اجساد آنان در درون چاه افکند و خطاب به سران کفر فرمود: (ص 431) « ای اباجهل بن هشام! ای عتبه بن ربیعة! ای شیبه بن ربیعة! ای امیه بن خلف! آن چه خداوند به من وعده داده بود، حق بود. آیا شما نیز وعده ی پروردگان را به حق نیافتید؟ ».

عمر پس از آن که گفت و گوی پیامبر گرامی اسلام (صلی اله علیه و آله) را با اجساد کفار شنید، با تعجب پرسید:

« ای پیامبر خدا! این ها که بدن هایی ی جای بیش نیستند؛ چه گونه آن ها سخن می گویند؟ ». رسول خدا (صلی اله علیه و آله) در پاسخ فرمود:

« سوگند به خدا که تو از آن ها شنواتر نیستی؛ اما آنان نمی توانند پاسخ بگویند ». [28] هم چنین به گفته ی ابن رجب حنبلی، هنگامی که پیامبر گرامی اسلام (صلی اله علیه و آله) از کنار قبر « ام محجن » [29] می گذشت، بر او نماز خواند و پس از نماز، از صاحب قبر پرسید: « چه عملی را با فضیلت تر یافتی؟ »

اطرافیان از حضرت پرسیدند: « ای رسول خدا! آیا او می شنود؟ ».

پیامبر گرامی اسلام (صلی اله علیه و آله) فرمود: « ما انتم بأسمع منها »؛ « شما از او شنواتر نیستید ». [30]

شبهه چنین گفت و گویی، در قران نیز آمده است؛ آن جا که صالح (علیهم السلام) با قوم خود

– که به علت گناه و عصیان گرفتار عذاب شده و مرده بودند – سخن می گفت. (ص 432)
« فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جِثْمِينَ فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَاقَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولًا رَّبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّصِيحِينَ » (اعراف / 78-79)

« پس زلزله ای آنان را فرا گرفت و در خانه های خویش، بی جان افتادند. آن گاه [صالح] از آنان روی برگردانید و سربرتافت و گفت: ای قوم من من پیام های خداوند را رسانیدم و شما را اندرز دادم؛ اما شما ناصحان را دوست نمی دارید.»

هنگامی که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) از جنگ صفین باز می گشت، در نزدیکی شهر کوفه، در کنار قبرستانی که بیرون دروازه قرار داشت، رو به سوی قبرها فرمود:

« ای ساکنان خانه های وحشت و مکان های خالی و قبرهای تاریک! ای خاک نشینان! ای غریبان! ای وحشت زدگان! شما در این راه بر ما پیشی گرفتید و ما نیز به شما ملحق خواهیم شد اگر از اخبار دنیا بپرسید به شما می گویم: خانه هایتان را دیگران ساکن شدند؛ همسرانتان به ازدواج دیگران درآمدند و اموالتان تقسیم شد این ها خبرهایی است که نزد ماست نزد شما چه خبر؟»

سپس رو به یارانش کرد و فرمود:

« اگر به آن ها اجازه سخن گفتن داده شود حتماً به شما خبر می دهند که بهترین زاد و توشه برای این سفر، پرهیزکاری است.» [31]

هم چنین اصبع بن نباته نقل می کند: روزی حضرت از کوفه خارج شد و به نزدیک سرزمین « غری » (نجف) آمد و از آن گذشت. هنگامی که ما به او رسیدیم، حضرت روی زمین دراز کشیده بود. قنبر گفت: ای امیر مؤمنان! اجازه می دهی عبایم را زیر پای شما پهن کنم؟ حضرت فرمود: نه! این جا سرزمینی است که خاک های مؤمنان در آن قرار دارد و این کار تو، مزاحمت برای آن هاست.

اصبع به حضرت گفت: معنای خاک مؤمن را فهمیدم؛ اما مزاحمت آن ها چه معنی دارد؟ حضرت فرمود: (ص 433) « ای فرزند نباته اگر پرده از مقابل چشم شما برداشته شود، ارواح مؤمنان را می بینید که در این جا حلقه حلقه نشسته اند و یک دیگر را ملاقات می کنند و سخن می گویند این جا جایگاه مؤمنان است و وادی برهوت جایگاه ارواح کافران.» [32]

2-5- پاسخ ارواح

بخش دیگری از روایات، اموات را قادر به پاسخ گفتن به زندگان می شمارند؛ هر چند اهل دنیا به سبب محدودیت های مادی، قادر به فهم آن نیستند. ابن عباس از پیامبر گرامی اسلام (صلی اله علیه و آله) روایت کرده است که:

« ما من احد یمر علی قبر اخیه المؤمن کان یعرفه فی الدنیا یسلم علیه الا عرفه و ردّ علیه السلام.» [33]

« هیچ کس نیست که از کنار قبر برادر مؤمنش که او را در دنیا می شناخته عبور کند و به او سلام دهد، مگر این که صاحب قبر او را بشناسد و پاسخ سلامش را بدهد.»

هم چنین در منابع نقل شده است که پیامبر گرامی اسلام (صلی اله علیه و آله) در بازگشت از احد، بر مزار مصعب بن عمیر ایستاد و فرمود:

« شهادت می دهم که شما در نزد خداوند زنده اید. پس آنان را زیارت کنید و به آنان سلام دهید. قسم به آن که جانم در دست اوست، تا روز قیامت کسی به آنان سلام نمی کند، مگر آن که آنان به او پاسخ می دهند.» [34] (ص 434)

عایشه از پیامبر گرامی اسلام (صلی اله علیه و آله) نقل می کند:

« کسی نیست که به زیارت مزار برادر مؤمنش برود و نزد او بنشیند، مگر این که [برادر مؤمنش

[با او انس می گیرد و پاسخ او را می دهد تا زمانی که باز گردد ». [35]
3-5- ارواح و بستگان

یکی دیگر از محورهای که در روایات دیده می شود، ارتباط ارواح در عالم برزخ با اقوام و بستگان است. پیامبر گرامی اسلام (صلی اله علیه و آله) فرمود: « همانا اعمالتان بر نزدیکان و خویشاوندانتان عرضه می شود؛ پس اگر خیر باشد، شادمان می شوند و اگر غیر آن باشد، دعا می کنند: خداوندا آنان را نمیران تا همان گونه که ما را هدایت کردی، هدایتشان فرمایی ». [36]
مالک بن انس از نعمان بن بشیر نقل می کند که پیامبر گرامی اسلام (صلی اله علیه و آله) فرمود:

« شما را توصیه می کنم به برادران در خاک رفته تان. بدانید که اعمالتان به آنان عرضه می شود ». [37] (ص 435)

6. روح پیامبر گرامی اسلام (صلی اله علیه و آله) و عالم دنیا

همان گونه که در آیات و روایات بیان شد، ارواح در جهان برزخ با اهل دنیا ارتباط دارند و هر چه جایگاهشان نزد خدا بالاتر باشد، قدرت ارتباطشان با این دنیا بیش تر خواهد بود. در این میان، بی شک پیامبر گرامی اسلام (صلی اله علیه و آله) و امامان معصوم (علیهم السلام) و اولیای الهی، با توجه به مراتبشان، بیش از دیگران قدرت ارتباط با جهان مادی را دارند؛ هر چند انسان های گرفتار در حجاب ماده، در ظاهر نمی توانند این ارتباط را درک کنند. بنابراین، همه ی آیات و روایاتی که بیانگر حیات برزخی و ارتباط ارواح با عالم دنیا هستند، به طریق اولی، ارتباط پیامبر گرامی اسلام (صلی اله علیه و آله) و امامان معصوم (علیهم السلام) را با جهان مادی و مردم آن ثابت می کنند.

جدای از این، روایاتی که در منابع فریقین در این زمینه وجود دارد، بسیار زیاد است. پیامبر گرامی اسلام (صلی اله علیه و آله) فرمود:

إن لله ملائكة سياحين يبلغون من امتي السلام. [38]

« خداوند فرشتگانی دارد که در رفت و آمدند و سلام امت مرا به من می رسانند ». آن حضرت در حدیث دیگری می فرماید:

« زندگانیم برای شما خیر است؛ زیرا من با شما سخن می گویم و شما با من سخن می گوید. وفاتم نیز برای شما خیر است؛ چون اعمالتان بر من عرضه می شود؛ هر عمل خیری که مشاهده کنم، خدا را سپاس می گویم و هر آن چه از بد اعمالتان ببینم، برایتان طلب مغفرت خواهم کرد ». [39] (ص 436)

از مجموع آن چه گفته شد، می توان نتیجه گرفت که نه تنها میان دنیا و آخرت، عالم برزخ وجود دارد، بلکه برزخیان زندگی ویژه ای را که مخصوص به آن جهان است، تجربه می کنند و به احوال این جهان آگاهند. پیامبر گرامی اسلام (صلی اله علیه و آله) می فرماید: « الناس نیم اذا ماتوا انتبهوا »؛ [40]

« مردم خوابند، هنگامی که مردند، بیدار می شوند ».

شهید مطهری در توضیح این حدیث معتقد است که درجه ی حیات پس از مردن، در مقایسه با پیش از مرگ، کامل تر و بالاتر است؛ همان گونه که انسان در حال خواب، از درجه ی درک و احساس ضعیفی برخوردار است و حالتی نیمه زنده و نیمه مرده دارد و هنگام بیداری، آن حیات کامل تر می شود. هم چنین حالت حیات انسان در دنیا، در مقایسه با حیات برزخی، درجه ای ضعیف تر است و با انتقال انسان به عالم برزخ، کامل تر می شود. [41]

در این میان، هر چه مقام و منزلت فرد نزد خدا بالاتر باشد، قدرت وی برای ارتباط با این جهان

بیش تر است و شکی نیست که روح پیامبران و امامان و اولیای الهی، بیش از دیگران در ارتباط با انسان ها هستند؛ صدای آن ها را می شنوند و قدرت پاسخ گویی به آنان را دارند. بنابراین، همان گونه که در دنیا می توان از آن ها مدد جست، در جهان برزخ نیز همان روح، ناظر و حاضر است و امکان مدد جستن و توسل به ارواح بزرگان دین، هم چنان وجود دارد. [42]

[1]. « » 55 « » [5]. « » 15 75 3451 [6]. « » 1 186 [7]. « » 7 394 [8]. « » 10 617 [9]. « » 4 640 « » [10] 11 170 « » [11]. « » 6 268 119 [14]. « » 15 97 [13]. « » 2 170 () [12]. « » 6 268 119 [14]. « » 23 122 (:) [15]. « » 6258 (:) « » 7 44126 « » 5 428 « » [16]. « » 56 / [17]. « » [18]. « » 1 433 [19]. « » 1 347 « » 1 143 [20]. « » 2 698 [21]. « » 27 / 28 / 78 / 11 [22]. « » 5 631 « » 9 132 [23]. « » 51 / 56 [24]. « » (20) () (22) (18) (22) () (72) () (13) () (43) () Htm93http://www.mezan.net/radalshobbhat/main : « » 254 6 « » [25]. [26]. [27]. [28]. « » 20752074 117 231 « » 3976 976 « » 777622 3 4 « » http://hadith.al-: « » [29]. [30]. « » 134 « » [31]. 55 21 « » 130 492 [32]. « » ! « » 237 6 « » [33]. 55 [34]. « » 4 « » 170 2 « » 10 365 [35]. « » 4 23 423 « » 10 87 [36]. « » 20 114 12683 « » 4 154 « » 2 481 [37]. « » 15 685 42741 « » 6 183 [38]. « » 1 422 « » 9 24 « » 12 421 35470 11 407 31902 « » [39]. « » 2 518 [40]. « » 7 42 [41]. « » 2 518 [42]. « » 585 3824